امر به معروف و نهی از منکر میراث جاودان حسینی

خطبه نماز جمعه

ایام نام‌گذاری شده به نام امر به معروف و نهی از منکر به پایان رسید، اما پیام آن همچنان زنده و جاری است. این آموزه دینی که محور قیام سیدالشهدا(ع) بود، نه تنها یک تکلیف شرعی، بلکه الگوی جامعه‌ای است که می‌خواهد در مسیر عبودیت و بندگی خدا گام بردارد. امام حسین(ع) با قیام خود نشان داد که مبارزه با طاغوت و سکوت نکردن دربرابر منکر، مصداق بندگی خداست. امروز نیز این درس برای جامعه ما، به‌ویژه نسل جوان، حاوی پیامی روشن است که مقاومت در برابر هر آنچه خشم الهی را برمی‌انگیزد، شرط بقای ایمان و عزت است. امام حسین(ع) در بیان علت قیام خود فرمودند: «إِنِّی لَمْ أَخْرُجْ أَشِراً وَلَا بَطِراً... وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِی أُمَّةِ جَدِّی»؛ یعنی من برای اصلاح امت جدم قیام کردم. این اصلاح جز با امر به معروف و نهی از منکر محقق نمی‌شود. ایشان حاکمیت طاغوت را بزرگ‌ترین مصداق منکر دانستند؛ زیرا حاکمیتی که برپایه ظلم و فساد بنا شود، مستوجب غضب الهی است. قیام عاشورا، الگویی عملی برای مبارزه با هرگونه انحراف و سکوت در برابر ستم بود. عبادت خالصانه تنها به نماز و روزه محدود نمی‌شود؛ بخشی از بندگی، جهاد دربرابر آن چیزی است که خداوند از آن بیزار است. امام حسین(ع) نشان دادند که سکوت در برابر فساد و ظلم، به‌معنای همراهی با طاغوت است. امروز نیز اگر جامعه‌ای ادعای دین‌داری دارد، باید در برابر مفاسد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بی‌تفاوت نباشد. جوانان به‌عنوان پیشگامان این جبهه، مسئولیتی خطیر بر دوش دارند. واقعه عاشورا تنها یک حادثه تاریخی نیست، بلکه نمایشگاه اسوه‌هاست. از حضرت عباس(ع) تا حضرت زینب(س)، هر یک نمادی از مقاومت، ایثار و امر به معروف بودند. امام حسین(ع) با این قیام، به جهانیان نشان داد که پیروی از حق، هزینه دارد، اما ذلت درپی ندارد. اگر جامعه امروز می‌خواهد خود را حسینی بداند، باید از این الگوها پیروی کند. جوانان به‌عنوان کانون اندیشه و آرمان، نقش محوری در نهادینه کردن فرهنگ نهی از منکر دارند. اگر روحیه مبارزه با مفاسد در جوانان نهادینه شود، جامعه به‌سمت اصالت دینی حرکت خواهد کرد. امام خمینی(ره) نیز تأکید می‌کردند که «اگر جوانان متعهد نباشند، جامعه به تباهی می‌رود». امروز دشمن با تهاجم فرهنگی و ترویج فساد، می‌خواهد جوانان را از این رسالت دور کند، لذا هوشیاری و اقدام عملی، ضروری است. امام حسین(ع) با قیام خود ثابت کرد که پیروزی نهایی از آن حق است، حتی اگر به قیمت شهادت باشد. جامعه‌ای که این منطق را بپذیرد، هرگز در برابر دشمن ذلیل نمی‌شود. تاریخ نشان داده است که هرگاه امت اسلامی به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر عمل کرده، عزت یافته است. ایام نام‌گذاری شده به نام امر به معروف و نهی از منکر پایان یافت، اما این تکلیف همیشگی باقی است. قیام امام حسین(ع) به ما آموخت که دین‌داری واقعی، مبارزه با هرگونه انحراف است. جامعه امروز، به‌ویژه نسل جوان، باید با الهام از کربلا، در برابر فساد و ظلم سکوت نکند. تنها در این صورت است که می‌توانیم ادعا کنیم جامعه‌ای حسینی هستیم؛ همان جامعه‌ای که عزت خود را در اطاعت از خدا و مبارزه با منکر می‌داند.

برگرفته از خطبه‌های نمازجمعه مشهد

تنظیم: حجت‌الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

حسین از من است و من از حسینم

شریعه

محمد جواد علیپورا در خانه مبارک امام علی(ع) و حضرت فاطمه‌زهرا(س) همه‌چیز با برکت و رحمت الهی همراه بود. در سوم شعبان سال چهارم هجری، نوری در مدینه درخشید؛ امام حسین(ع) چشم به جهان گشودند. از همان لحظات نخست، ولادت ایشان با نشانه‌های الهی و بشارت‌های پیامبر اکرم(ص) همراه بود. رسول خدا(ص) به محض شنیدن خبر تولد امام حسین(ع) به خانه حضرت فاطمه(س) آمدند، ایشان را در آغوش گرفتند و در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه گفتند. سپس نام مبارک «حسین» را برایش برگزیدند؛ نامی که به معنای «کوچک نیکو» بود و نشان از جایگاه رفیع ایشان در نزد پیامبر(ص) داشت. دوران کودکی امامان حسن و حسین (علیهماالسلام) در سایه محبت لبریز رسول خدا(ص) سپری شد. گاهی پیامبر(ص) آن‌ها را بر دوش مبارک خود سوار می‌کردند و خطاب به اصحاب می‌فرمودند: «این دو فرزند من هستند، خداوندا! من آنان را دوست دارم، تو نیز آنان را دوست بدار!».

دوران سخت پس از رحلت پیامبر(ص)

پس از رحلت رسول خدا(ص)، مصیبت‌های بزرگی بر خاندان رسالت وارد شد. حوادث سقیفه بنی‌ساعده و دور شدن خلافت از مسیر حق، فشارهای بسیاری بر امام علی(ع) و فرزندان معصومشان تحمیل کرد. امامان حسن و حسین (علیهماالسلام) در این سال‌ها، اگرچه در سنین کودکی بودند، شاهد مظلومیت مادر گرامی‌شان، حضرت زهرا(س)، و تلاش‌های پدر بزرگوارشان برای احقاق حق بودند.

به خون غلتیدن پدر در محراب

پس از شهادت مظلومانه حضرت فاطمه(س)، مصیبت بزرگ دیگری بر امام حسین(ع) وارد شد؛ شهادت پدر گرامی‌شان، امام علی(ع)، در محراب مسجد کوفه به دست خوارج ملعون. در این زمان، امام حسن مجتبی(ع) به امامت رسیدند و امام حسین(ع) همواره پشتیبان و همراه وفادار برادرشان بودند. در این دوران، معاویه‌بن‌ابی‌سفیان با حیله‌گری‌های بسیار تلاش می‌کرد پایه‌های حکومت فاسد اموی را مستحکم کند. هنگامی که امام حسن(ع) به‌ناچار صلح را پذیرفتند، امام حسین(ع) ابتدا با این تصمیم مخالف بودند، اما به احترام برادر و برای حفظ مصالح اسلام، از ایشان پیروی کردند. این دوره، درس‌های بزرگی از صبر، حکمت و مقاومت دربرابر فتنه‌ها را به جهانیان آموخت.

شهادت برادر و آغاز امامت امام حسین(ع)

پس از شهادت امام حسن مجتبی(ع) به دست معاویه، امامت به امام حسین(ع) منتقل شد. ایشان در شرایطی بسیار حساس قرار گرفتند؛ چراکه معاویه با زیرپا گذاشتن پیمان صلح، راه ظلم و ستم را در پیش گرفته بود و تلاش می‌کرد خلافت را به پسر فاسدش، یزید، منتقل کند. امام حسین(ع) در این سال‌ها، اگرچه سکوت اختیار کرده بودند، هرگز از بیان حق و افشای چهره پلید امویان بازنایستادند. ایشان در منابر و مجالس مختلف، مردم را به مقاومت در برابر ستم دعوت می‌کردند و از آن‌ها می‌خواستند که از اسلام ناب محمدی دفاع کنند.

مروری بر اقداماتی که زینب کبری(س) برای حفظ دستاوردهای عاشورا انجام دادند

عقیله بنی‌هاشم(س)؛ قهرمان کارزار روایت‌ها

معین البکاء

آمنه مستقیمی| گرامیداشت هرساله عاشورای حسینی و اقامه عزا بر مصائبی که در آن واقعه بر سیدالشهدا(ع) و اهل‌بیت و اصحاب حضرت تحمیل شد، درکنار عرض ارادت و مودت به ایشان، دانشگاهی است برای یادگیری درس‌های مهم زندگی به‌ویژه در مواجهه با بزنگاه‌ها و بحران‌ها که کنترل از دست انسان خارج می‌شود و نخستین و کوچک‌ترین لغزش‌ها، می‌تواند آخرین آن‌ها باشد. این درسی است که زنان و کودکان عاشورایی که قصه مصائبشان تازه از عصر عاشورا آغاز می‌شود، برای ما به یادگار گذاشته‌اند؛ درس عبور باعزت و سربلند از بحران‌ها. در این باره با حجت‌الاسلام‌والمسلمین عباس بابایی، کارشناس مذهبی، گفت‌وگو کرده‌ایم.

عاشورا؛ آوردگاه مدیریت‌ها

در عرصه کربلا میان همه آشوب‌ها، مدیریت بحران مهم و اثرگذار بود. گاهی شهر و کشوری دچار جنگ، سیل و زلزله و دیگر بحران‌ها می‌شود؛ آن‌ها که بتوانند خود، خانواده و شهر و کشور را مدیریت و از این سختی‌ها عبور کنند، موفق به مدیریت بحران می‌شوند. در پهنه کربلا و جزء جزء واقعه عاشورا با مدیریت‌های مختلف و موفق به‌ویژه توسط زنان و دختران و کودکان مواجه هستیم که به ماندگاری و تاریخ‌سازی این واقعه کمک بسیار کرده است.

مدیریت؛ دانش ضروری زندگی

یکی از علوم و توانمندی‌هایی که انسان در زندگی اجتماعی خود به‌شدت به آن نیاز دارد، مدیریت است؛ اعم از مدیریت زمان، مدیریت امکانات و شرایط، مدیریت استعدادها، مدیریت وظایفی که برعهده او گذاشته شده است و... هریک از این‌ها به شرایط و استعدادهایی نیاز دارد که اگر در وجود انسانی باشد، واجب است مدیریت را عهده‌دار شود و اگر کسی فاقد آن‌ها باشد، عهده‌دار شدن این مدیریت توسط وی، حرام شرعی محسوب می‌شود.

حفظ دستاوردهای عاشورا به‌دست زینب کبری(س)

بهترین مدیریت‌ها بعد از عصر عاشورا به حضرت زینب کبری(س) اختصاص دارد. ایشان در عین مدیریت عواطف از خود در بالاترین سطح، مراقبت می‌کردند تا در عین سختی‌ها، دستاورد نهضت برادر و امام زمان خود را منتقل کنند؛ ازجمله مدیریت‌های حضرت زینب(س)، مدیریت بحران خصوصا بعد از شهادت ابوعبدا...(ع) بود؛ مدیریتی که از غروب روز عاشورا آغاز می‌شود و تا روزی که این کاروانِ شهیدداده، اسارت‌دیده، خسته و بی‌رمق به مدینه بازمی‌گردد، ادامه دارد.

داغی که زنان بر دل دشمن گذاشتند

از عجایب روزگار آن است که این کاروانیان، با توجه به سختی‌های بسیار عجیبی که دیدند، ازجمله از دست دادن شخصیت‌های عظیم‌الشأنی مثل حضرت سیدالشهدا(ع)، حضرت عباس(ع) و همسران و فرزندان و پدران، دیدن گرسنگی، اسارت، هتاکی، آوارگی و زندان، حتی یک درخواست از دشمن نداشتند و داغ این درخواست را به دل دشمن گذاشتند؛ چون حضرت زینب(س) در همه منازل این اسارت و سفر، آن‌ها را مدیریت کردند.

غلبه عقلانیت بر عواطف

عقیله بنی‌هاشم(ع) با وجود فشارهای شدید عاطفی و تألمات روحی و شرایط سخت آن سفر، جایی که جان امام‌سجاد(ع) در خطر بود و در دیگر مواضع، کاروان را مدیریت کردند، تاجایی‌که امام زین‌العابدین(ع) فرمودند: «عمه ما در برخی مواضع بین راه، نماز را نشسته می‌خواندند و چون از ایشان علت را پرسیدم، گفتند به دلیل شدت ضعف و گرسنگی»؛ یعنی ضعف به قدری بر ایشان غلبه کرده بود که نمی‌توانستند روی پا بایستند. سپس امام(ع) ادامه می‌دهند: «در این سفر طولانی، ما روزی یک قرص نان سهم داشتیم! و اغلب عمه ما آن قرص نان را هم تقسیم می‌کرد و به بچه‌ها می‌داد».

الگوی مادران و همسران شهدا

از همه این‌ها مهم‌تر، مدیریت مانایی حادثه عاشوراست؛ چنان‌که آن بانوی بزرگوار با جهاد تبیین، سکوت و سخن خودکاری کردند که امروز با افتخار می‌گوییم: «کربلا در کربلا می‌ماند اگر زینب(س) نبود». اینکه در دوران دفاع مقدس با ۲۰۰ هزار مادر شهید، چندین هزار همسر شهید، چندهزار دختر و خواهر شهید مواجه شدیم و آن‌ها را در اوج عبودیت و استقامت دیدیم، الگو و خاستگاهی داشت که جز زینب کبری(س) نمی‌توانست باشد. شیوه رفتاری آن حضرت باعث شد مادران، همسران و دختران شهدا مسیر را بیاموزند و یاد بگیرند که چطور باید عمل و از خون شهیدان خود پاسداری کنند.

از زینب(س) درس امیدواری بگیریم

در این جنگ هویتی دوازده‌روزه هم که بین جبهه حق و جبهه باطل رخ داده است، این صفات عالیه حضرت زینب کبری(س) به‌شدت می‌تواند به ما کمک کند؛ عده‌ای از ما دچار ناامیدی شده‌اند. گویی دنیا به پایان رسیده است، درحالی‌که این‌طور نیست. امید به وجود مقدس امام زمان(عج)، امید به ایمان، امید به توانمندی‌های داخلی، امید به زندگی و امید به خدا درس‌های بزرگ حضرت زینب کبری(س) است؛ چنان‌که خود با همین امید از دستاوردهای عاشورا محافظت و پیروزی ظاهری یزید را تبدیل به شکست کردند.

حفظ دست‌آوردهای قیام عاشورا

حضرت زینب(س) به ما آموخت که در شرایط سکوت و سانسور خبری و هجمه رسانه‌ای برای خالی کردن دل جبهه حق و راه انداختن جنگ روانی علیه آن، چطور باید روایت درست از میدان و رویارویی جبهه حق و باطل داشته باشیم. چون اسلام ما با دیگر کشورهای مسلمان تفاوت دارد و اسلام حسینی مقابل ظلم ساکت نمی‌نشیند. علی‌القاعده مستکبران عالم نیز وحشیگری می‌کنند، لذا روایتگری‌های صحیح باعث می‌شود از مسیر مقاومت منحرف نشویم و همان‌طور که حضرت زینب(س) اجازه ندادند دستاوردهای قیام عاشورا تحریف شود، ما هم اجازه ندهیم شجاعت، ایثار و مقاومت ملت ایران در جنگ تحمیلی دوازده‌روزه پنهان بماند و راوی حقیقت باشیم.

در جنگ تحمیلی جز زیبایی ندیدیم

رشادت‌ها و شجاعت‌هایی که در این ایام با وجود نفوذ دشمن و تهدیدهای داخلی مزدوران آن شاهد بودیم، برگرفته از حادثه بزرگ و دلخراش کربلاست که در دل آن به تعبیر حضرت زینب(س) جز زیبایی نهفته نیست: «ما رَأَیْتُ اِلاّ جَمیلا»؛ از شجاعت، ایثار و استقامت ورزیدن در راه دیانت و معنویت که همه در این جنگ اخیر، بیش از قبل باید به آن تأسی کنیم و تردید نداشته باشیم که پیروزی نهایی با جبهه حق خواهد بود و به ظهور حضرت بقیه‌ا...(عج) متصل خواهد شد؛ ان‌شاءا...